

آثار حقوقی سند ارتباط خمینی و آمریکا

بخش یکم

امیرفیض- حقوقدان

بطوریکه استحضار دارید خبرگزاری بی بی سی مطالبی را منتشر ساخته که به اسنادی که وزارت خارجه آمریکا از طبقه بندی خارج ساخته استناد کرده و مدعی است روح الله خمینی در سال ۱۳۴۲ بوسیله رابطی بنام کمره ای مراتبی رابه اطلاع دولت کندی و بعد هم همان مراتب رابا توضیحات مکملی در زمان کارتر با آمریکا در میان گذاشته است.

این تحریر مایل است در حول و حوش آثار حقوقی جریان مزبور که انتشاری کاملا تازه است گردشی داشته باشد.

نخست اصالت سند

اسناد مورد استناد بی بی سی که فی الفور مورد تکذیب نزدیکان خمینی و سیدعلی قرار گرفت، خود مسئله ای است که این تحریر نمیتواند بدون ورود به آن ادعا، تنظیم گردد.

نخست ادعای نزدیکان خمینی

نزدیکان خمینی که نامی هم از آنها برده نشده تماس خمینی با دولت آمریکا را تکذیب کرده اند < عمل و اقدام نزدیکان خمینی نامش توریه > است یعنی طرف، چیزی میگوید ولی مقصودش چیز دیگری است و در واقع توریه طرف را دنبال نخود سیاه فرستادن است.

*** تماس افراد با افراد، در دو حالت است یکی جماع است و دیگری ملاقات و مصاحبه. در اسناد مورد استناد،

نیامده که خمینی با دولت آمریکا مذاکره و یا مصاحبه کرده است بلکه آمده است که خمینی پیامی بوسیله رابطی بانام ونشان برای سفارت آمریکا در تهران ارسال داشته است یعنی نه سندی در بین بوده و نه بین خمینی و سفارت آمریکا ملاقاتی صورت گرفته است و از آن مهمتر سفارت آمریکا دولت آمریکا نیست. اسناد سفارت آمریکا نشان میدهد که بسیاری از ایرانیان مرتبا به سفارت آمریکا مراجعه و خبر میدادند؛ این عملگی برای سفارت است نه تماس با دولت آمریکا. این مراجعات که در حد جاسوسی و خبر چینی است به معنای تماس با دولت آمریکا نیست. اگر بخوایم نمونه ای از بسیار تماس با دولت آمریکا را ارائه دهیم:

مشخص ترین آنها قبل از شورش ۱۳۵۷ حضور برادرزاده بازرگان بنام مرتضی بازرگان در ۲۳ آذر سال ۱۳۵۷ (۱۴ دسامبر ۱۹۷۸) با همراهانی در وزارت خارجه آمریکا است؛ که طرحی را برای اطمینان خاطر آمریکانیها و اینکه <مبادا آمریکا از رفتن شاه و آینده نامعلوم بترسد ارائه میدهد؛ او میخواست دولت آمریکا را مطمئن سازد که دولتی که توسط جبهه ملی تشکیل شود با آمریکا دوستانه رفتار خواهد کرد.> (طبقه بندی محرمانه جلد ۲۱ صفحه ۵ اسناد سفارت)

اگر خواسته شود نمونه ای از بین نمونه ها از تماس ایرانیان خارج از کشور در سالهای بعد از شورش ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) ارائه شود میتوان به ملاقات آقای مهندس نصر اصفهانی در کاخ سفید اشاره کرد که مفصل آنرا خود ایشان رسانه ای کرده اند.

اگر خواسته شود نمونه ای هم از هرج و مرج در فعالیت بخشی از ایرانیان خارج از کشور در تماس با آمریکا ارائه شود میتوان به روزنامه صبح ایران سیروس شرفشاهی درلس آنجلس رجوع کرد که نوشت <اگر آمریکا میخواهد ایران را نجات بدهد باید با ما تماس بگیرد>.

اجازه فرمائید در همین جا مسئله تماس مختومه شود چراکه اولاً ارتباط چندانی با تحریر حاضر ندارد و دوم اینکه درجائی که مصاحبه هائی با بیگانگان در مفهوم صریح طرفداری و درخواست پول وامکانات و تدارکات در میان است ادامه به این موضع فلان سر بالا خواهد شد.

موقعیت نزدیکان

تکذیب خبر بی - بی - سی که در حقیقت خبر وزارت خارجه آمریکا است از سوی تکذیب کننده تحت عنوان نزدیکان خمینی مورد دیگری است که ارتباط تکذیب را با موضوع قطع میکند؛ زیرا که:

۱- معلوم نیست که این نزدیکان چه کسانی بوده اند و چه دلیلی هست که آنها نسبت به مسائل بسیار محرمانه خمینی آگاهی داشته اند!؟

۲- اصل این است که موضوع تماس! با آمریکا بوسیله خمینی یک کار بسیار محرمانه بوده و نمیتواند مانند فلان بزهه اطرافیان و نزدیکان خمینی ناظر آن بوده باشند.

آنجا که در گزارش وزارت خارجه آمریکا آمده است که این اقدام دور از چشم مامورین ساواک (در حالیکه خمینی زیر نظر مامورین ساواک بوده) صورت گرفته؛ آنهم بوسیله کمره ای که فعالیت های سیاسی مشهودی نداشته، نشان از اهمیت محرمانه بودن آن است و نمیتوان به ادعای کسانی که نه نامشان عنوان شده و نه موقعیتشان ترتیب اثر داد.

تکذیب سید علی

تکذیب سید علی که بیش از هر کس به اهمیت فاش شدن این جریان آگاه است، اسناد بی بی سی را جعلی خواند.

**** جعل، به معنای ساختن سند ویا نوشته ویاخط ویا مهر ویا امضای شخص دیگری است. هیچیک از**

شرائطی که برای جعل لازم است در عمل بی بی سی وجود ندارد. اصلاً بی بی سی هیچ سندی به خط ویا امضا ویا مهر خمینی ارائه نداده که مسئله جعل واثبات اصالت آن لازم بشود بی بی سی از اسناد وزارت خارجه آمریکا که همه آنها هم از سوی بی بی سی افشا نشده (بنابراعلام بی بی سی) مطلبی را که استخراج کرده اعلام کرده است. مصداق جعل در این مورد بی معناست؛ اگر بی بی سی رعایت امانت و مفهوم و منطوق اسناد وزارت خارجه آمریکا را نکرده باشد نامش تحریف است نه جعل واثباتش هم برعهده مدعی تحریف است.

معرفی جاعل

**** کسی که ادعای جعل سند میکند (سیدعلی خامنه ای) اگر فقط ادعای مجعول بودن را بدون معرفی جاعل مطرح کند با دادگاه است که به اصالت سند اقدام نماید. ولی اگر مدعی جعل سند، جاعل را معرفی کند ناچار است مراتب اثبات آنرا خودش طی کند (دقیقا مورد ادعای شیخ حسن) و اگر استتکاف کرد دادگاه به اصالت سند رای میدهد. سید علی در همین بیانیه اش خواسته است که جعلی بودن سند را اثبات کرده باشد که گفته:**

> آمریکائی ها که هواپیمای مسافربری راسرنگون میکنند از جعل سند ابائی ندارند< این دفاع سید علی با توجه به معنای جعل سند، که در همین تحریر بیان شده دلیل مجعول بودن سند مورد بحث نمیشود در تطبیق مورد همانند آن است که کسی در دادگاهی طرف دعوای متهم به جعل کند و دلیل آنرا بگوید (برای اینکه طرف نسبت به خانواده اش بد رفتاری میکند) و از آنجا که رابطه سببیت در ادعا وجود ندارد به آن ادعا ترتیب اثر داده نمیشود. اهمیت این قبیل ادعاهای ناموجه این است که اگر موضوع در یک دادگاه عمومی مطرح بود شخص سید علی بمناسبت افترای جعل تحت تعقیب قرار میگرفت.

**** یکی از شرائط مجعولیت سند آن است که متن سند ادعای جعل، نباید موید سابقه از نوشته و یا موضوع باشد و سند باید از ابتدا ایجاد شده باشد. در اسناد مورد استناد بی بی سی آنچه که بعنوان سند ارائه شده دارای سابقه مفصل چه در مذاکرات بین کشورهای گوادلپ و یا داخل کشور ایران بوده است مانند عبارات >شاه باید برود< و یا >نه شرقی و نه غربی< که قبل از اینکه این عبارات مورد استفاده خمینی قرارگیرد مورد استفاده آمریکا قرار گرفته بوده است.**

بنابراین از نظر حقوقی ادعای جعل بر اسناد، بهیچوجه قابل پذیرش نیست.

علت انتشار سند

**** سید علی انتشار سند مزبور را در بیست و هفتمین سالگرد درگذشت خمینی نشانه دشمنی دولت آمریکا و بریتانیا تفسیر کرده است.**

تفسیر بکلی نادرست است سالهای سال است که دشمنی بین آمریکا و جمهوری اسلامی و برعکس وجود دارد و اتفاقا در این سالها بمناسبت برجام و برخی مسائل از جمله ریاست جمهوری شیخ حسن (رعیت آمریکا) و بیشتر مذاکرات محرمانه عدن بین ملایان و آمریکا روابط آمریکا و جمهوری اسلامی از سالهای قبل بمراتب بهتر است.

**** علت انتشار سند مزبور آنهم بعد از انتخابات مجلس مسئله بسیار با اهمیتی است که شاید این تحریر بتواند ابعدی از گوشه های آنرا ارائه دهد.**

ابعادی از انگیزه انتشار اسناد مزبور

****** جامعه شناسان آمریکائی که روی فرهنگ ما ایرانیان مطالعات کرده اند و گوشه هائی از آنرا در اسناد سفارت آمریکا ضمن گزارشاتی که مامورین سفارت آمریکا به وزارت خارجه کشورشان ارسال داشته منعکس کرده میتوان خواند، عقیده دارند که:

فعالیت های سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی در فرهنگ ایران یا طریق جذب است یا طریق اجتهاد

(مشروح درسنگر ۳۲۱+۳۳۲)

طریق جذب، یعنی قدرت و نیروی مادی و معنوی غیر مذهبی که سبب جذب مردم به آن نیرو میشود و این قطب و منبع نیرو شاه است؛ که در مقابل نیروی مذهب که از طریق اجتهاد (مراجع تقلید - اعظم آنها) جریان مییابد. در حال حاضر که در جامعه ایرانی قدرت مادی و معنوی شاه از صدقه سرمصدی سلطنت وجود مادی ندارد فرهنگ ایرانی یکسره متوجه طریق اجتهاد است

آمریکائیه در موقعیت مذاکرات هسته ای توانستند از جناح طریق اجتهاد یک پایگاهی بنام دولت جمهوری اسلامی دست و پا کنند ولی این پایگاه چون بهر طریق منشعب از شورش ۵۷ و وفاداری به رهبران است نمیتواند به آسانی در طریق اجتهاد رخنه کند خاصه که تاروپود دولت شیخ حسن به نفوذ و موقعیت رهبر شورش ۵۷ رقم خورده است و حتی عنوان امام برای ابلیس یادگار شیخ حسن است.

گرچه آمریکائیه موفق شدند که در انتخابات، موقعیتی برای دولت شیخ حسن بوجود بیاورند ولی دیدیم که در اولین آزمایش مجلس اسلامی که انتخاب رئیس مجلس بود گماشتگان آمریکا در مجلس نتوانستند نقشی ایفا کنند که نشانگر استقلال آنها از طریق اجتهاد باشد و این عمل غیر قابل انتظار آنها به بی وفائی و دوسوئی تعبیر شد.

اکنون آمریکائیه متوجه این مقصودند که بین اهداف خودشان و خواستههای رهبر شورشیان یک هماهنگی اصولی نشان بدهند تا از این طریق دو بهره برداری بکنند.

****** نخست آنکه طرفداران افراطی طریق اجتهاد که برای خمینی صفاتی مانند صداقت، پاکی، مقاومت و دشمنی ابدی و مذاکره بین ایران و آمریکا را مذاکره با شیطان و نفی ابدی میدانستند یک تراشیدگی در باور نسبت به صفات فرضی آنها برای خمینی ایجاد کنند؛ زیرا که در پنهانی به سفارت پیام دادن کاریک رهبر مذهبی که اعلام دشمنی با آمریکا میکند نمیتواند باشد و با صفات پاکی و مردانگی و حتی مسلمانی هم منافات دارد.

****** دوم اینکه آمریکائیه با افشای مذاکرات مزبور نشان میدهند که آنها هم به دنبال خط امام هستند و آنچه که خمینی در سال ۱۳۴۲ و بعداً در سال ۵۷ از آمریکا میخواستند آمریکا اکنون در طبق اخلاص آماده انجام است و این هماهنگی خواست خمینی با آنچه که امروز آمریکا عنوان میکند زمینه و پشتوانه ای است که اتهام عدم وفاداری به خط امام (طریق اجتهاد) از عوامل آمریکا در ایران (اصلاح طلبان) را دور میسازد و این همان تزی است که شیخ حسن و رفسنجانی و اصلاح طلبان دنبال آن هستند.

در یک عبارت روشن افشای سند مزبور یشتوانه اقدامات اصلاح طلبان در ایجاد رابطه و قبول سلطه آمریکا بر ایران است (بهنگام نقد مندرجات سند، دلیل آنرا خواهید یافت)

****** انجام هر عملی خاصه سیاسی واجتماعی نیازبه زمینه سازی دارد سندمزبورکه درباره ماهیت آن بحث این تحریر است، خواهیم دید با آنکه مفهوم سند، چیزفوق العاده ای نیست، اما فاش شدن آن زمینه سازش و نزدیکی دولت شیخ حسن را با آمریکا درافکارعمومی پیروان آن ابلیس توجیه خواهد ساخت واین دستاورد بسیار با اهمیتی است که وزارت خارجه آمریکا و سیا آنرا دراین روزها مصرف کرده است.

سابقه عمل

این اشاره بجاست که درسال ۱۳۵۷ هم، آمریکا ازهمین شیوه استفاده کرد منتها نه برای وصل شورشیان به شاه بلکه برای سخت و متراکم کردن شورشیان علیه سلطنت که آنرا بوسیله داریوش همایون وبا اهانت به رهبرشورشیان (نامه کذائی وزارت اطلاعات- نامه احمد رشیدی مطلق) آتش افروزی موثری را بپا ساختند.

درکلامی روشن همانطورکه درسال ۱۳۵۷ آمریکائیها زمینه را با آن نامه برای غلو دشمنی علیه شاه فراهم ساختند اکنون هم با انتشاراسناد مزبورزمینه را برای بقا وموفقیت شیخ حسن ترتیب داده اند.

تبانی، تبانی وتبانی است

از زمانی که مذاکرات محرمانه عدن بین جمهوری اسلامی و آمریکا با اجازه وتنفیذ شخص سید علی در نهایت محرمانه جریان یافت ومتعاقب آن موافقتنامه ژنو آنهام نخوانده ازسوی نمایندگان ایران به امضا رسید (اعتراف عراقچی) هرچه در جمهوری اسلامی اتفاق مییافتد باهرظاهری که باشد پایبندی آن به مذاکرات محرمانه عدن که هیچگاهم ازسوی مقامات رسمی جمهوری اسلامی اعلام نشد وحتى مجلس هم نمیداند که مذاکرات چه بوده مسلم وغیرقابل تردید است واکنون این تحریر ادعای جدی دارد که برنامه فاش کردن سند محرمانه خواست های خمینی از آمریکا که مورد تکذیب سید علی قرارگرفته بخشی ازهمان توافق عدن است که زمینه های موفقیت دولت شیخ حسن فراهم گردد دلیل این مهم را هم اکنون ملاحظه خواهید کرد.

دلیل تبانی،

بعدازانتخابات مجلس اسلامی وپیروزی ظاهری اصلاح طلبان مهمترین پایگاهی که از آن اصولگرایان بود صدا و سیمای جمهوری اسلامی است که رضا سرافراز آنرا متصدی بود وسخت حافظ منافع اصولگرایان بشمار میرفت.

****** درهفتم خرداد سال جاری رضاسرافراز ازریاست صدا و سیمای جمهوری اسلامی به حکم سید علی برداشته شد وعلی عسگری جانشین او شد هیچکس انتظاراین تحول راباورنمیکرد ولی به دستوروامضای سید

علی صورت گرفت زیرا پیشرفت کودتای نرم وهماهنگ با مقاصد سید علی نمیتوانست با بودن سرافراز جریان طبیعی پیدا کند.

شهادت صادق زیباکلام

آقای صادق زیبا کلام (این توده ای پیشین) درباره تحولات مزبور نوشته است >باحضور سرافراز، دوران تنگ نظری دوران آقای ضرغامی بیشتر و یکسوگرایی شد و اکثر روشنفکران که در دوران ضرغامی وجود داشتند در دوران سرافراز روابطشان قطع شد. سرافراز تنها متخصص صداوسیما از ابتدای انقلاب است. زیبا کلام در پاسخ به این پرسش که آیا نوع رابطه صداوسیما با دولت بخصوص برجام در رفتن سرافراز موثر بوده است گفت؛ آنچه مسلم است آقای سرافراز در این ۱۸ ماه از ضدیت، جبهه گیری و حمله به دولت و میدان دادن به مخالفان روحانی خودداری نکرده است و به خصوص در مسئله برجام عملا تریبیون را به مخالفان برجام دادند و حتی اجازه پخش یک برنامه نیم ساعته جدی که لااقل میان موافقین و مخالفین برجام دیالگ صورت بگیرد ندادند و یکسویه از اقلیت مخالف برجام حمایت کردند.

شهادت آقای عادل فردوسی مجری برنامه ۹۰

آقای عادل فردوسی مجری برنامه ۹۰ صداوسیمای جمهوری اسلامی گفته است:

*** >نزدیک به یک ماه پس از حصول توافق اتمی ایران با شش کشور جهان در مردادماه ۱۳۹۴ آقای سرافراز محتوی سخنان خصوصی و محرمانه آقای عباس عراقچی سر تیم مذاکره کننده اتمی که در یک جلسه خصوصی مدیران صدا و سیما بیان شده بود و در آن جلسه عراقچی برنامه اتمی ایران را خسرانی بزرگ دانسته بود صدا و سیما آنرا پخش کرد که مورد اعتراض عراقچی و وزارت خارجه هم قرار گرفت و از روی سایت صدا و سیما برداشته شد ولی اثرش باقی ماند، همو گفته است صدا و سیمای جمهوری اسلامی با پخش مصاحبه ای که عامل فردوسی با ظریف داشته موافقت نکرده است.

استفاده از شهادت شهود

*** در هفتم خرداد سال جاری علی عسگری جانشین رضا سرافراز در صدا و سیمای جمهوری اسلامی شد

در ۱۱ خرداد یعنی بفاصله سه روز که از ریاست علی عسگری گذشته بود صدا و سیمای جمهوری اسلامی پژوهشی را تحت عنوان (شرایط برقراری رابطه با آمریکا از منظر امام خمینی) پخش کرد که بسیار در رابطه با اسناد وزارت خارجه آمریکا که مورد استناد بی بی سی قرار گرفته با اهمیت است باتفاق آنرا میخوانیم.

>امام خمینی عدم مداخله آمریکا در امور داخلی ایران و رعایت احترام متقابل را از لوازم برقراری روابط با آمریکا ذکر کرده و فرموده اند «اگر آمریکا بنحو صحیح رفتار کند و در امور داخلی ما مداخله نکند و مشاوران خود را که در امور کشور ما دخالت دارند فراخواند مانیز آنها را احترام خواهیم گذاشت. ما نمیخواهیم به آمریکا ظلم

بکنیم و نمیخواهیم زیر بار ظلم آمریکا برویم کارهایی که کرده اند ظلم بما بوده که آنرا تحمل نخواهیم کرد. ما روابط با همه کشورها داریم و دولت هاهم اگر با ما به طور احترام رفتار کنند احترام متقابل را داریم».

ایشان موافقت مردم بابرقراری رابطه را شرط دیگر این اتفاق عنوان کرده اند به این معنا که تصمیم گیری نهایی را در این خصوص بر عهده ملت گذاشته اند، ایران باید تا قطع تمام وابستگی های سیاسی نظامی اقتصادی و فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهانخواری رحم ادامه دهد و بعد در صورتی که ملت بیدار و شریف ما اجازه داد ارتباط بسیار عادی خود را در حد سایر کشورها با آمریکا برقرار نماید».

این تحریر ادامه خواهد داشت....

اگر لازم شد به نوشته های بی بی سی مراجعه شود آن مطالب در سایت ۱۴۰۰ سال در آدرس:

<http://1400years.org/pdf&Show/EfshayeAsnadMarbootBehKhomeiniUS-HC-04Jun2016.pdf>

نگاه کنید.